



مکتب روحانی مشاوره مسیحی
بیش از رستگاری

**A Theology of
Christian Counseling**
More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل بیست و سوم

اصول آینده

مشاوره مرگ و در شرف مرگ

”... برای انسان یک بار مردن و پس از آن داوری مقرر است“ (عبرانیان ۹: ۲۷).

جز ایماندارانی که زمان بازگشت عیسی مسیح زنده می باشند، همه خواهند مرد. مرگ موضوع مهمی است برای انسان. و به این خاطر می بینیم مقالات بسیاری در این زمینه منتشر شده، که عمدتاً باید از الیزابت کوبلر راس Elizabeth Kubler Ross، ریموند مودی Raymon Moody و رابرت مانرو Robert Monroe نام برد. مشاوران مسیحی باید با آنچه این افراد منتشر کرده اند آشنا بشوند تا بتوانند ماهیت دروغین و پنهانی آنرا افشا کنند (بگونه صحیح)، و نگذارند آنچه از خدا است، آلت دست شیطان گردد.

تحقیقات این سه نفر شباهت نزدیکی باهم دارند. کوبلر راس تحقیقاتش را در زمینه اشخاصی که در شرف مرگ بوده اند انجام داده؛ مودی تجربه کسانی که مرده اعلام شده بودند (و زنده شدند) را منتشر کرده؛ و مانرو صحبت از تجربیات خارج از بدن کرده است. من آنچه قبلاً در مورد مرگ و مشاوره کسانی که در شرف مرگ می باشند نوشته ام را اینجا تکرار نخواهم کرد و می توانید آن را در کتاب های The Big Umbrella و Shepherd's Flock مطالعه کنید. اینجا در خلاصه می توانم بگویم، تضاد زیادی میان آنچه عیسی مسیح به جای آورد (اول قرنیتان ۱۵ و فیلیپیان ۱ بیان شده)، و این افراد صحبتشان از آن می کنند، وجود دارد (اول تسالونیکیان ۴). حال ببینیم چه فرقی با دیدگاه خدا دارند:

۱. می گویند، شواهدی در دست هست از کسانی که پس از مردن، تجربیات دل پسندی داشته اند (روحشان از بدن جدا می شود و به سوی نور سفیدی حرکت می کند و سپس دوباره جان می گیرد). بنظر می رسد که همه به بهشت می روند. گناه، توبه، میوه روح القدس، کاملاً نادیده گرفته می باشند. اگر همه به بهشت می روند، پس راه دنیا درست است و نیازی به نجات نیست. نجات عیسی مسیح، مرگ (و عوامل آن) را از صحنه زندگی انسان دور می کند و بر علیه آن می ایستد، نه آنکه آن را قبول می کند. مسیحیان دنیا اعتراف کرده اند که نخواهند مرد (عمر جاودان)، چون به بهشت می روند.

۲. نتیجه ای که گرفته اند مشکوک است. کوبلر راس مدلی را برای مرگ فراهم ساخته که نمی تواند شامل مسیحیان باشد، چون کلام خدا می گوید:

عبرانیان ۲

۱۴: از آنجا که فرزندان از جسم و خون بر خوردارند،
او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود،
صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد،

۱۵: و آنان را

که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده اند،

آزاد سازد.

اول قرن‌تینان ۱۵

۵۵: «ای گور، پیروزی تو کجاست؟

و ای مرگ،

نیش تو کجا؟»

۵۶: نیش مرگ گناه است

و نیروی گناه، شریعت

۵۷: اما شکر خدا را

که به واسطه خداوند ما عیسی مسیح

به ما پیروزی می بخشد.

فیلیپیان ۱

۲۱: زیرا مرا زیستن مسیح است،

و مردن، سود

۲۲: اگر می باید به حیات خود در این بدن ادامه دهم،

این برایم به منزله کار و کوششی پرثمر خواهد بود.

و نمی دانم کدام را برگزینم!

۲۳: زیرا بین این دو سخت در کشمکشم:

چرا که آرزو دارم رخت از این جهان بر بندم و با مسیح باشم،

که این به مراتب بهتر است؛

۲۴: اما ماندنم در جسم برای شما ضرورتر است

۲۵: چون از این یقین دارم،

می دانم که برای پیشرفت و شادی شما در ایمان،

زنده خواهم ماند

و با همه شما به سر خواهم برد،

مسیحیان می دانند که همه به بهشت نمی روند (بطوری که این افراد وانمود می کنند). اگر تجربیات این اشخاص حقیقت داشته باشد (یعنی مردند و بعد زنده شدند)، باید نتیجه گرفت که در حقیقت مرده نبودند.

از جنبه علمی، توافقی بر آنکه چه زمانی می توان شخصی را مرده شناسائی کرد وجود ندارد. بسیاری معتقدند مرگ زمانی است، که تمام عناصر بدن از کار می افتند. حال اگر شخصی مرد، و همه اعضای بدن او از کار افتاد، چطور می توانند دوباره بکار بی افتد؟ البته بدن انسان دارای خصوصیتی است، که در زمان خاتمه کار اعضای بدن، چالشی را در بدن بوجود می آورد تا نگذارد فرسودگی بدن به نهایت برسد. بسیاری از این تجربیات را بدن انسان خود به شکل و ترکیب خاصی ایجاد می کند. به تازگی ماده ای بنام اندورفین Endorphine کشف شده که در بدن ترشح می شود تا بدن را در مقابل درد های سخت و ناگهانی، بی حس نماید. این ها همه عکس العمل های اضطراری بدن می باشند، تا بتواند آسیب را تحمل کند و دوباره جان بگیرد. خدا این عناصر را آفرید تا جان انسان را حفظ کند، و خدا می داند چه ماده های دیگری نیز در کارند.

۳. چون کوبلر راس و مودی و مانرو همه در احضار ارواه (واین نظیر کار ها) دست داشته اند، رابطه ای با مسیحیان نمی توانند داشته باشند، چون خدا به مسیحیان گفته،

تثنيه ۱۸

- ۹: چون به سر زمینی که یهوه خدایتان به شما می دهد، در آیید،
نباید آداب و رسوم کراحت آور اقوام آنجا را بیاموزید.
۱۰: در میان شما کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را بر آتش قربانی کند،
و نه فالگیر یا غیبگو، و نه افسونگر یا جادوگر
۱۱: یا ساحر، و نه مشورت کننده با ارواح، یا رمال و یا کسی که با مردگان گفتگو کند.

۴. این افراد می خواهند با حيله و نیرنگ، جیب مردم را خالی کرده جیب خود را پر کنند، و باید توجه داشت که مسیحیان نو ایمان و کم تجربه نیز، طعمه خوبی برای این گونه افراد می گردند. می خواهند بگویند امید و آسایش ابدی برای همه هست (درب بهشت بروی همه باز است) و نیازی به نجات عیسی مسیح نمی باشد.

در خلاصه، باید توجه داشت که این گونه گرایشها می توانند مسیحیان بسیاری را اغفال کنند. می خواهند نیش مرگ را از میان بر دارند. در حالی که عیسی مسیح نه تنها نیش مرگ را از میان برداشت، بلکه مرگ را از میان برداشت. برای کسانی که عاقبت خوشی را در آینده خود نمی بینند، مرگ نیش زهر آلودی است که نشانه خاتمه همه چیز است (حیات)، اما خدا می گوید خاتمه همه چیز در دست اوست.

عبرانیان ۹

- ۲۷: همان گونه که برای انسان یک مردن
و پس از آن داوری مقرر است،
۲۸: مسیح نیز پس از آنکه یک بار قربانی شد تا گناهان بسیار را بر دوش کشد،
دیگر بار ظاهر خواهد شد،
نه برای رفع گناه،
بلکه تا آنان را که مشتاقانه چشم به راه اویند،
نجات بخشد

عاقبت اشخاصی که از گناه نجات یافته اند بهشتی است (و حتی بیعانه ای از آن نیز در دنیا در دسترسشان می باشد).